

سفرهای حضرت عبدالبهاء به غرب و نتایج آنها

هوشنگ رأفت

مقدمه: شرائط عمومی و اجتماعی غرب هنگام مسافرت حضرت عبدالبهاء به

اروپا و آمریکا

در جهان غرب، اروپا و آمریکا در اوائل قرن بیستم تا مدتها این عقیده رائج بود که تمدن مسیحی - غربی از هر حیث بر سائر تمدنهای ارجحیت و تفوق دارد و این تمدن غایت قصوی و مرحله اعلای تکامل تدریجی تمدنهای گذشته یونانی - رومی و با اقتباسی از هندوچین و ایران و مصر است. عصر و قرن جدید پر از مظاهر علمی و فنی و فلسفی است که همه نتیجه کوششهای غربیان است. نژاد سفید اولویت خود را بر تمام نژادها ثابت کرده و قاره اروپا با تسلط علمی، نظامی و صنعتی (و دینی) یکتا و بی نظیر است - سائر ملل عقب افتاده اند، و سائر ادیان و مذاهب کم اهمیتت و عاقبت باید در ظل مسیحیت وارد شوند و لذا به اقصای کره زمین مبشرین و میسیونرها، اعزام می گردند. مختصر آنکه اروپائیان و آمریکائیا سرمست باده غرور از اکتشافات، اختراعات، تسلط بر مستعمرات و اندوختن ثروت و قدرت بی سابقه دیگر بودند و توجهی به مسائل روحانی و مبادی الهی نداشتند. مأمورین و فرمانروایان اروپائی در آسیا و آفریقا حکومت می کردند و آفتاب در امپراطوری بریطانیا غروب نمی کرد. در آمریکا سیاهان تحت شرائط فوق العاده سخت و ناگوار زندگی می کردند (ر.ک. به کلبه عمو توم) و برده و خادم سفیدها محسوب می شدند. اختلافات مذهبی و شکافهای بین ادیان عمیق بود و از گفتگوی بین ادیان (Interreligious) کمتر صحبت می شد. از طرف دیگر

مرامهای سوسیالیستی - اشتراکی و مسلک طبیعی و مادیگری هم در یک گروه از افراد ایده‌آلیست رسوخ و نفوذ کرده بود. گفتار نویسنده انگلیسی (Kipling) در عدم امکان نزدیکی و اتحاد شرق و غرب زبانزد عوام و خواص بود:

East is east and west is west, and never the twine shall meet.

افکار برتری نژاد که از جمله کنت دوگوبینوی فرانسوی از حامیان و پیشقدمان آن بود در محافل غربی مقبولیت داشت که بعدها باعث فجایع جنگ و کشتار دسته‌جمعی (Genocide) در اروپا شد. از نظر سیاسی هنوز امپراطوری‌های بزرگ انگلیس (جرج پنجم)، آلمان (قیصر ویلهلم)، هابسبورگ (اطریش و مجارستان)، ژمانف در روسیه و عثمانی (مرد بیمار اروپا) که به تازگی انقلاب جوانان ترک را پشت سر گذاشته بود برقرار بود و تقریباً همه سرزمین‌های آفریقا و آسیای جنوبی و چین در زیر سلطه غرب بودند. زنان هنوز به تساوی حقوق نائل نشده و در تلاش برای تحقق این آرزو و هدف بودند.

با توجه به نکات فوق می‌توان به اهمیت تعالیم و اصولی که حضرت عبدالبهاء در کمال صراحت و شهامت ولی توأم با حکمت و محبت به اهالی غرب می‌فرمودند و خصلت «رادیکال» یا انقلابی آن‌ها مانند وحدت عالم انسانی، تساوی حقوق رجال و نساء، ترک تعصبات نژادی، وحدت اصول ادیان، صلح عمومی، و حل مشکلات جهان از راه حکمیت (محکمه کبری) اصل تعدیل معیشت و عدل و مسائل دیگر پی برد.

نگاهی کوتاه به سفرهای حضرت عبدالبهاء

پس از حبس ۴۰ ساله در زندان عکا و آزادی محبوسین سیاسی و مذهبی به دنبال انقلاب جوانان ترک در ۱۹۰۸ هیکل مبارک ابتدا به استقرار عرش مطهر حضرت باب در مقام اعلی در نوروز ۱۹۰۹ اقدام فرمودند. آنگاه در سپتامبر ۱۹۱۰ ظاهراً بدون اطلاع قبلی عازم مصر شدند تا از آنجا به اروپا عزیمت نمایند. اقامت مبارک در مصر به واسطه ضعف مزاج تا ماه اوت ۱۹۱۱ موجب آشنائی جمعی از مشاهیر و ادبا و نویسندگان و

سیاستمداران آن دیار با امر الهی گردید. سپس حضرت عبدالبهاء با کشتی به بندر ماری فرانس و آنگاه به سوئیس عزیمت فرمودند و پس از استراحتی کوتاه بر حسب دعوت احبّاء انگلیس خاصّه لیدی بلامفیلد به صوب لندن حرکت کرده و در سپتامبر ۱۹۱۱ وارد آن شهر عظیم شدند. در آن جا برای اولین بار در حضور جمعیت زیادی در تالار سیتی تمپل (City Temple) خطابه‌ای درباره وحدت معنوی انبیاء الهی ایراد نمودند و هفته بعد نیز در کلیسای یوحنا لاهوتی در وست مینستر (West Minister) بیاناتی ادا فرمودند در حالیکه اسقف اعظم حضور داشت و سوای آن هر روز ده‌ها و صدها نفر به حضور مبارک مشرف می‌شدند و ارباب جرائد مقالات و اخباری درباره سفر حضرت عبدالبهاء درج می‌کردند. آنگاه به پاریس عزیمت فرمودند و به همت مسیو دریفوس و همسرش باز جلسات متعدّدی جهت خطابه و نطق مبارک و نیز ملاقاتهای خصوصی با احبّاء و متحرّیان منعقد شد.

سپس به مصر مراجعت فرموده و مدّت ۵ ماه دیگر در رمه اسکندریه برای استراحت در ایام زمستان رحل اقامت افکندند تا در بهار سال ۱۹۱۲ بر حسب دعوت‌های مکرّر یازان آمریکا و مجامع صلح و کنگره‌ها و حتّی رؤسای مذاهب مسیحی عازم آمریکا شدند. مستقیماً با کشتی از اسکندریه به نیویورک عزیمت فرمودند و از آوریل تا دسامبر یعنی بیش از ۸ ماه به حدود ۴۰ شهر از شهرهای آمریکا و کانادا سفر کرده و در کلیساها یا کنیسه یهودیان، مجامع نسوان و اسپرانتیستها، تئوزوفها و حتّی سوسیالیستها به بیان تعالیم روحانی و اجتماعی امر بدیع و حل مشکلات عمومی جهان و اعلان وحدت عالم انسانی و لزوم صلح عمومی و وحدت اساس ادیان پرداختند و حتّی در دانشگاه‌های چندی به خصوص در دانشگاه معروف استانفورد Stanford سانفرانسیسکو برای صدها و یا هزاران دانشجو و استاد نطق‌های بلیغ ایراد کردند و اساس امر را در آن مملکت وسیع مستحکم فرمودند. در این سفر تاریخی نویسندگان و هنرمندانی چون جبران خلیل جبران در نیویورک و دانشمندان و نفوس نامداری مانند ادیال پری کاشف قطب شمال و گراهام بل مخترع تلفن در شهر واشنگتن و پایتخت آمریکا، و نیز

سیاستمدارانی همچون مستر روزولت رئیس جمهور آینده و جمعی از سفراء و دیپلماتها به حضور مبارک رسیدند.

ده‌ها روزنامه و نشریه رپورتاژها و عکس‌های متعددی از سفر "پیامبر صلح" چاپ و منتشر کردند و بدینوسیله اعلانی کم سابقه درباره ظهور دیانت جدید و نهضت روحانی بهائی با آرمان صلح و اتحاد بشر در نیمکره غربی حاصل شد.

در ۵ دسامبر ۱۹۱۲ از نیویورک عازم انگلیس شدند و بار دوم آن کشور به قدم مرکز عهد و میثاق متبرک گردید. در این سفر هم در لندن و هم در آکسفورد و چند شهر دیگر و همچنین در اسکاتلند (ادینبورگ) خطابات متعددی ایراد فرمودند. خصوصاً در شهر آکسفورد به همت دکتر چین Cheyne استاد الهیات که از ارادتمندان حضرت عبدالبهاء بود، نطق مهمی در حضور اساتید و حتی رئیس دانشگاه و صدها دانشجو ایراد نموده و مورد استقبال فراوان آنان قرار گرفتند. آنگاه به پاریس عزیمت کرده و چندین هفته در آن شهر اقامت فرمودند که در طی آن مجالس خصوصی و عمومی تشکیل شد و جمعی بسیار از مشتاقان و متحرّیان حقیقت از فیض دیدار و استماع خطابات مبارک در مورد مسائل روحانی، فلسفی و اجتماعی برخوردار شدند. سپس سفر کوتاهی به آلمان فرموده در اشتوتگارت و اسلینگن مورد استقبال یاران و علاقمندان قرار گرفته و باز خطابات متعددی ایراد فرمودند سپس سفر کوتاهی به وین و بوداپست برای دیدار یاران و شرکت در کنفرانسهای صلح و ملاقات بعضی از رجال عالم فرهنگ و دانش منجمله پروفیسور وامبری مستشرق شهیر کردند. در مجامع عمومی چندی که به افتخار مبارک تشکیل شد، صدها نفر از بیانات حضرت عبدالبهاء خاصه در مورد ضرورت صلح عمومی و وحدت عالم انسانی و اتحاد شرق و غرب بهره‌مند شدند.

سپس حضرت عبدالبهاء به پاریس مراجعت فرموده و پس از توقّف کوتاهی در ۱۲ جون ۱۹۱۳ از فرانسه به مصر عزیمت فرمودند و پس از چند ماه استراحت در پورت سعید و اسکندریه در روز ۵ دسامبر ۱۹۱۳ وارد ارض اقدس شدند.

تأثیرات این سفرها در ایران

در ابتدا باید یادآور شد که حضرت عبدالبهاء از همان دوران جمال قدم شوق سفر

برای تبلیغ امر الهی داشتند. (۱)

بشارت عزیزمیشان به مصر باعث بروز شور و سرور فوق العاده در میان یاران ایران

گردید. در مقاله‌ای که شاعر خوش سخن جناب عندلیب در همان زمان نگاشته و در

نجم باختر به چاپ رسید به نقل از حافظ آمده است:

بیا که رایت منصور پادشاه رسید نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید

عزیز مصر به رغم برادران حسود ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید

کجاست صوفی دجال شکل ملحد کیش بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید

سپس اشعاری نغز «در تهنیت هجرت حضرت عبدالبهاء به قطر مصر» از سروده‌های

خویش نقل کرده که در مقدمه آن آمده:

مژده که خورشید عهد به عالم اشراق کرد شعله بر افلاک زد جلوه بر آفاق کرد

ز فضل، روحی بدیع بذل به عشاق کرد ز سجن اعظم سفر، هیکل میثاق کرد

یوسف کنعان روح، بمصر شد رهسپار... الخ (۲)

حضرت عبدالبهاء در پاسخ ابراز اشواق و احساسات احبّاء در آن ایام در لوحی

چنین می‌فرمایند: «اظهار سرور و شادمانی از سفر من به اقلیم یوسف کنعانی نموده

بودی. این انشراح و انبساط بسیار بجا است. باید شما و جمیع اماء الرّحمن و احبّای

الهی نهایت شادمانی از این سفر داشته باشند که عبدالبهاء بعد از چهل و دو سال مکث

در سجن محکم متین در نهایت وقار و اقتدار به این اقلیم عظیم رحلت نمود. هیچکس

را گمان چنان نبود که روزی آید که زنجیر و سلاسل از گردن عبدالبهاء، برداشته شود و

بر گردن عبدالحمید ظالم گذارده شود. آن غدار را آرزو چنان که عبدالبهاء در قعر چاه

محو و نابود گردد. حال الحمدلله او بقعر چاه افتاد و البته عبدالبهاء به اوج ماه رسد و از

این سفر به عون و عنایت جمال مبارک ثمر کلی حاصل گردد.» و در لوحی دیگر آمده

است «ید غیبی ابواب را مفتوح نمود. حکمت چنین اقتضا کرد که عبدالبهاء به اقلیم مصر شتابد زیرا از ایام سابق بی‌نهایت خجل و شرمسار است که موفق به عبودیت نشد بلکه از سفر به این دیار در استقبال بادی خدمتی مؤید شود...» (۳)

نتایج و آثار سفر و اقامت مبارک در مصر:

در اوائل قرن گذشته مصر یکی از مراکز مهم علمی، ادبی، دینی و سیاسی خاورمیانه بشمار می‌آمد. در آن کشور به واسطه محیط بالنسبه آزاد و لیبرال حاکم، بسیاری از نویسندگان و روشنفکران و علماء ازهر به نشر افکار و آثار خود به صورت فعال و فارغ از محدودیتهای دنیای شرق (خصوصاً ایران و مرکز خلافت عثمانی در اسلامبول) مشغول بودند. از آن جمله شیخ محمد عبده از فضلاء بنام مصری که سابقاً در بیروت چندین بار درک محضر حضرت عبدالبهاء را کرده و به ایشان ارادت قلبی حاصل کرده بود و هم او بود که بعدها به رتبه مفتی جامع الازهر ارتقاء یافت. وی بدون شک زمینه آشنائی بسیاری از علماء و نویسندگان را با حضرت عبدالبهاء فراهم کرده بود. گرچه بعضی از مدیران جرائد قبلاً مقالاتی مغرضانه و مملو از اشتباهات راجع به امر منتشر کرده بودند ولی پس از ورود مرکز میثاق هر یک موقعیت را مغتنم شمرده و تقاضای تشریف نمودند، از آن جمله مدیر جریده «المؤید» شیخعلی یوسف که سابقاً مقاله زنده‌ای در نشریه‌اش به چاپ رسانده بود، موفق به جبران مافات شد و مقاله‌ای این بار در مدح و ثنای حضرت عبدالبهاء و امر بهائی نگاشت. در جرائد مهم دیگر مصر نیز مقالاتی درباره ورود هیکل مبارک به چاپ رسید از آن جمله در الاهرام، وادی النیل و المقتطم که همه آنها در توصیف و تعریف از کمالات صوری و معنوی حضرت عبدالبهاء قلمفرسائی کردند. نویسنده شهیر جرجی زیدان سردبیر مجله الهلال نیز از جمله کسانی بود که افتخار تشریف یافت. از ایرانیان صاحب نام میرزا عبدالمحمد ایرانی - مؤید السلطان مدیر مجله چهره نما نیز مشرف شد و برخلاف گذشته مقاله‌ای محترمانه و سرشار از تمجید از حضرت عبدالبهاء در نشریه‌اش به چاپ رساند و حتی

یکی از مخالفین او که ردیه‌ای هم سابقاً نوشته بود یعنی دکتر محمد مهدی خان زعیم الدوله (مؤلف کتاب "مفتاح باب الابواب") نیز مشرف شد و اظهار ارادت نمود.

از رجال برجسته دولتی و سیاسی هم بعضی به فوز زیارت حضرت عبدالبهاء نائل شدند منجمله محمد علی پاشا خدیو مصر، مفتی مصر شیخ محمد بخیت و یکی از علماء کبار بنام شیخ محمد رشاد. حضرت عبدالبهاء نیز به بازدید آنها تشریف بردند. علاوه بر اسکندریه ایشان سفرهای کوتاهی به قاهره و زیتون نیز فرمودند. مدت اقامت مبارک در مصر ۱۱ ماه بود گر چه در آن کشور ابلاغ رسمی امر به واسطه حکمت و مصالح عالیه و شرائط موجود انجام نشد ولی همین ملاقاتهای خصوصی با نخبه علماء و اندیشمندان و نویسندگان تا حدّ زیادی باعث رفع شایعات کذب و اتهامات دشمنان پریکین و بروز آثار مثبت در محیط فرهنگی و اجتماعی آن برای امر بهائی و رهبر عالیقدرش گردید.

در طی اقامت حضرت عبدالبهاء در مصر بعضی از یاران آمریکائی و اروپائی به شوق زیارت آن حضرت در شهر اسکندریه مشرف شده و به اصرار تمام استدعا و تمنّای مسافرت حضرتشان را به دیار غربی نمودند. هیکل مبارک در پاسخ این دعوتها (و نیز دعوتنامه‌های مجامع مختلف صلح در آمریکا) جواب مثبت ولی مشروط به وحدت و اتحاد جامعه بهائی و ثبوت بر عهد و میثاق عنایت کردند. از آن جمله در لوحی می‌فرمایند: «از سفر من به امریک مرقوم نموده بودید. وقتی عبدالبهاء عزم آن دیار نماید که به همّت یاران و اتحاد و یگانگی دوستان، آمریکا استعداد حضور عبدالبهاء حاصل نماید. اگر چنین شود یقین بدان که مقصد حصول یابد.»

باری پس از استراحت نسبی و تجدید قوی در رمله (Ramleh) اسکندریه نیت مبارک به عزیمت به اروپا جزم شد چنانکه در لوحی در آن اوقات می‌فرمایند:

«ای یار عزیز در این ایام مصمم دیار غربم. شاید در عبودیت آستان احدیت نفسی برآرم و به قوت بازوی تأیید قفس بشکنم و اندک پروازی حاصل شود ولی هیئات هیئات! این مور ضعیف سلیمانی خواهد و این پشه بی‌توشه غضنفری بیشه جوید. مگر

بدرقه عنایت رسد و قوه حرکت بخشد و الطاف حضرت بهاء‌الله شامل شود تا پشه
سیمرغ گردد و بَعُوضِ خاسر عقاب کاسر شود...»(۴)

در طی سفر اول حضرت عبدالبهاء به اروپا که روز جمعه ۱۱ اوت ۱۹۱۱ آغاز شد
بدواً اقامتی کوتاه در تونون در نزدیکی ژنو فرمودند و در این اولین برخورد با عالم
غرب جمعی از یازان پاریس و لندن و حتی احناء آمریکایی مقیم اروپا به فوز زیارت
نائل شدند و کسب فیض کردند و نیز جمعی از جوانان دانشجوی ایرانی که در اروپا به
تحصیل اشتغال داشتند از محضر مبارک بهره‌مند گردیدند. سپس هیکل اطهر به انگلیس
تشریف برده و در روز دهم سپتامبر اولین خطابه عمومی مبارک در آن مملکت در
حضور جمعیت بسیار زیادی در تالار سیتی تمپل (City Temple) ایراد شد که درباره
وحدت معنوی انبیای الهی، مقصود و هدف اصلی ظهور امر بدیع یعنی وحدت عالم
انسانی و یگانگی شرق و غرب و لزوم ترک تعصبات جاهلیه بود.

در این گفتار فرصت شرح جزئیات سفر مبارک در اروپا و آمریکا نیست و
علاقه‌مندان را به مطالعه کتب متعددی که در این باره نوشته شده خصوصاً سفرنامه
مبارک (بدایع الآثار در ۲ جلد) و کتب متعدّد دیگر به زبان انگلیسی راجع به سفر
مبارک در انگلیس و آمریکا احاله می‌نماید.

اهمیت و تأثیرات سفر حضرت عبدالبهاء به اروپا و آمریکا

نسل حاضر که فقط با حدود ۹۰ سال فاصله از آن اسفار تاریخی زندگی می‌کند،
قادر به ارزیابی حقیقی از آثار گهربار و نتایج و ثمرات حاصله از آن نیست زیرا فاصله
زمانی ما با آن واقعه تاریخی بالنسبه کوتاه است. یقین است نسلهای آینده و محققین
تاریخ به نحو کامل و شایسته در این امر موشکافی و پژوهش خواهند کرد.

در روز ۵ دسامبر ۱۹۱۲ هنگام مراجعت از سیر و سفر در آمریکا حضرت عبدالبهاء
بیانات ذیل را به همراهان خویش اظهار داشتند که بهترین و رساترین شرح اهمیت سفر
تاریخی و بی‌نظیر آن حضرت در بلاد غرب است:

«اهمیت این سفر بعد معلوم خواهد شد. تا حال چنین امری واقع نگشته و در هیچ عصری دیده نشده که نفسی از شرق باقصری بلاد غرب مسافرت نماید در حالتی که در تبلیغ امرالله و تعالیم بدیعه و مسائل الهیه در معابد و مجامع امم مختلفه چنان قائم و ناطق گردد که احدی را مجال انکار و اعتراض نماند بلکه کل مفتون و مجذوب شوند و نهایت عزت و احترام را اظهار نمایند.

حضرت مسیح در مملکت خود چند مرتبه به بیت المقدس و مجامع اسرائیلیان داخل و به نصائح و مواعظ مشغول شدند. ملاحظه نمائید که بعد علمای مسیحیه چگونه این مسئله را اهمیت دادند. دیگر معلوم است این سفر چه اهمیتی پیدا خواهد نمود که ما در کنائس عظمی و مجامع کبری باعلی‌النداء، ندای یابهاء‌الابهی برآوردیم و به افصح بیان و اتم برهان بشارت به ملکوت الله دادیم و به بیان تعالیم جمال مبارک پرداختیم. در معابد یهود به اثبات دیانت مسیح و حقیقت اسلام برخاستیم و در کنائس مسیحیان به ذکر عظمت و بزرگواری محمد رسول الله ناطق شدیم و در مجامع اشتراکیون قوانین انتظام و آسایش عالم آفرینش را شرح دادیم. در محافل مادیون قوه خارق العاده ماوراء الطبیعه را ثابت و محقق نمودیم، در کنگره‌های صلح و کنفرانسهای امم ندای جمال قدم را بلند کردیم و به آنچه سبب انتشار صلح عمومی و ترویج وحدت عالم انسانی است زبان گشودیم، به قسمی که در هر مجمعی جمیع اعناق خاضع شد، لسانها به ستایش ناطق گشت، دلها منجذب بنفحات الله گردید و جانها مستبشر به بشارت‌الله دیگر به بینید چه خبر است» انتهى (۵)

حضرت ولی‌امرالله در کتاب «گاد پاسز بای» که وقایع مهم قرن اول بهائی را بررسی و ارزیابی می‌فرمایند در خصوص مسافرتهاى حضرت عبدالبهاء و تأثیرات آن چنین می‌فرمایند:

«سفر تاریخی حضرت عبدالبهاء به بلاد غرب مخصوصاً سیر و گردش هشت ماهه طلعت انور در ایالات متحده آمریکا را می‌توان اوج عظمت و اشراق دوره میثاق محسوب داشت، دوره‌ای که به آثار و مواهب بدیعه مطرز و به اثمار و فواکه بهیه جنبه

مزین است و علو شأن و امتناع مقامش در مستقبل ایام چنانکه باید و شاید در انظار جهانیان محقق و مکشوف خواهد گردید. همانطور که نیر ظهور جمال اقدس ابهی در حین اعلام امر مبارک به روساء و زمامداران ارض در ارض سرّ به اشرف نقطه احتراق واصل گردید، بدر عهد و میثاق الهی نیز هنگامی به اوج اعلی و مقرّ اسنای خویش متعارج شد که مرکز عهدالله به بتّ تعالیم و بسط جلال و اعتلاء امر اب بزرگوارش در بین شعوب و جوامع عالم قیام فرمود و افق باختر را از اشعه فروزان کوکب خاور منور گردانید و آن مرز و بوم را به نفعات قدس حضرت قیوم زنده و پاینده ساخت.

... "قیام آن منادی ملکوت به نشر نفعات سبحانی و ابلاغ تعالیم یزدانی در مدن و دیار غرب که اعظم اشراق آن کوکب نوار و اشرف تجلی آن سراج وهّاج است مقام و منزلت میثاق و رفعت عهد نیر آفاق را بیش از پیش روشن و لائح گردانید." (۶)

و در ادامه همان مطلب در مورد اسفار مبارک در سرزمین آمریکای شمالی می‌فرمایند:

"استقبال بی‌نظیر قاطبه ملت آمریکا نسبت به پیام مبارک... موجب آن گردید که وجود اقدس بدون توجه به صحت و سلامت خویش اوقات گرانبها را صرف سیر و حرکت در نقاط مختلفه آن سرزمین وسیع بفرمایند. این سیر و سیاحت که مستلزم قطع مسافتی متجاوز از پنج هزار مایل (میل) از کرانه شرقی تا کرانه غربی آمریکا یعنی از ساحل اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر و بالعکس بود و از ماه آوریل تا دسامبر ۱۹۱۲ به طول انجامید و موجب صدور خطابات و بیانات بدیعۀ منیعۀ معادل سه مجلد از لسان آن قدوة اهل بهاء گردید، ذروه اعلی و غایت قصوای سفرهای مبارک را در غرب تشکیل می‌دهد و چون ثمرات فخیمه مرغوبه و نتایج عظیمه حاصله را در نظر آریم معلوم می‌شود که منظور آن منادی ملکوت از تحمّل صدمات و مشقات آن اسفار طولانی به نحو اتمّ و اوفی تحقّق پذیرفت و نیت مبارک در اعلاء کلمه الله در صفحات باختر به ابداع وجه برآورده شد." (۷)

در یکی از الواح فرامین ملکوتی راجع به سفرشان به ایالت کبیک در کانادا چنین

می‌فرمایند:

«در مجامع و کنائس آن دیار به نهایت سرور نداء به ملکوت الله نمود و تخمی افشاند که ید قدرت الهی آبیاری خواهد کرد. البتّه آن تخم سبز و خرم خواهد شد و خرمنهای عظیمه تشکیل خواهد داد. در ترویج تعالیم الهیه هیچ منازع و مجادلی نیافت... مدّت اقامت چند روزی بود ولی نتایجش در مستقبل موفور. دهقانی چون به خاک رسد در اندک زمانی کشت عظمی نماید... الخ» (۸)

در هنگام سفر در آمریکا در موارد متعدّده هیکل اطهر از تأثیرات و نتایج مسافرتشان با ملتزمین رکاب مبارک سخن گفتند از آن جمله: «حضرات! الطاف جمال مبارک موج می‌زند. الان چون نگاه می‌کنم می‌بینم بحر عنایتش موج است و می‌فرماید "من با شما هستم"، واقعاً اگر این نویده‌های مبارک و نصرت و حمایت او نبود من چه می‌کردم؟ یک نفر انسان و این شرق و غرب آمریکا، در این کوه و صحرا شوخی نیست. به لفظ گفتن آسان است. به تصوّر نمی‌آید که ما را در این کنائس راه بدهند. ببینید چه تأیید و عنایتی رسد. این سفر، سفر عجیبی است شکر کنید جمال‌مبارک را که چنین تأییداتی شامل حال شده.» (۹)

و در حین سفر با ترن به سمت کالیفرنیا فرمودند: «امرالّله نافذ است، جمیع عالم را احاطه خواهد کرد. الان چون من به صحرای امریکا نگاه می‌کنم می‌بینم مملوّ از اهل بها است. سابق در شرق ما می‌گفتیم صلح عمومی و اتّحاد امم لازم است، مردم می‌خندیدند. حالا ببینید چه مجلس‌های صلح تشکیل می‌شود. آئین الهی درمان هر دردی است زیرا به مقتضای حقایق اشیاء است...» (۱۰)

بعضی دیگر از آثار و نتایج این سفرهای تاریخی را شاید بتوان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- اعلان استقلال امر بهائی و انفصال آن از نهضت بابی

چنانکه می‌دانیم در قرن نوزدهم به واسطه انتشار مقالات و کتب مستشرقین همچون کنت دوگوبینو، ادوارد براون و مسیو نیکلا و باژن رُزن و سائرین نهضت عظیم بابی به

صورت یک حرکت اجتماعی، مذهبی و قیامی بر علیه استبداد حکام جابر و تعصبات خشک فقهاء و علماء سوء در انظار غربیان جلوه داده شده بود. گر چه در محافل آکادمیک و روشنفکران غرب جنبش بابی در ایران زبانزد عام بود و لکن غالباً آنرا یک رستاخیز انقلابی - آنارشیستی آمیخته با عنصر مذهبی و روحانی می‌انگاشتند.

سفرهای حضرت عبدالبهاء در اروپا و آمریکا و ایراد خطابه‌ها و نطق‌ها در مجامع عمومی و به طور خصوصی برای اولین بار باعث اعلان استقلال آئین بهائی و بیان اهداف و تعالیم روحانی و عمومی آن گردید و نام «بهائی» که حتی براون در نوشته‌های خود در اوائل قرن بیستم ذکر می‌کرد و به «بابی» اکتفا می‌کرد رسماً و عموماً به گوش مردم آن دیار رسید و دیانت بهائی به صورت یک آئین جهانی با آرمان وحدت عالم انسانی و ترویج صلح عمومی و رفع تعصبات مذهبی، نژادی و ملی و انتشار افکار نوعدوستی و تساوی حقوق زن و مرد و عاری از اوهام و خرافات و تقلید جاهلانه معرفی گردید.

۲- در بینش و عمق درک احباء و پیروان امرکه در آن زمان (۱۹۱۱) بیش از ۹۵٪ آن را یاران شرقی تشکیل می‌دادند، تحوّل عمیقی حاصل گردید. دیانت بهائی از صورت یک شریعت سنتی و دارای اندیشه‌های عرفانی - روحانی به آئینی جهان شمول ناظر به وحدت عالم بشر و منادی صلح و سلام و تعالیم بدیع جهت حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی مجسم و مصور گشت.

گر چه منبع و سرچشمه اصلی این تعالیم، آثار مقدسه نازل از قلم اعلی است و در کتاب مستطاب اقدس و الواح متمم آن چون لوح دنیا، طرازات، تجلیات، اشراقات ذکر شده ولی چنانچه باید و شاید این اصول و مبادی اجتماعی مورد توجه و دقت و مطالعه یاران شرق نبود. سفر حضرت عبدالبهاء و تبیینات آن حضرت موجب توسعه دید و بینش احباء ممالک شرقی خاصه ایران شد که به نوبه خود آثارش در فعالیتها و اقدامات ایشان در عرصه‌های تکامل فرهنگی و اجتماعی جوامع بهائی در آن نقاط مشهود و نمایان گشت.

۳- انتشار تعالیم بدیع روحانی و اجتماعی

در طی سفر سه ساله در مصر و اروپا و آمریکا حضرت عبدالبهاء، خطابات کثیری در کلیساها، دانشگاه‌ها و مجامع صلح و معابد یهود و حتی مساجد مسلمین و مراکز علمی و اجتماعی و یا ملاقاتهای حضوری ایراد فرمودند. در هر زمینه بخصوص مسائل روحانی و فلسفی حقائق اساسی این آئین آسمانی را که به نام مبادی ۱۲ گانه شهرت یافته (ولی در حقیقت بیش از آن است) گوشزد عموم فرمودند. مجموعه این خطابات به صورت کتب متعددی انتشار یافته و مکرر به چاپ رسیده و به زبانهای مختلف ترجمه و مورد استفاده بهائیان و متحرّیان حقیقت قرار گرفته است.

بیانات مبارک در غرب با اسلوب و روش خاصی که موافق با منطق و سبک علمی و عقلانی معمول جهان باختر است ایراد گردیده که باعث اعجاب و تحسین دانشمندان و دانشجویان و مستمعین هوشیار آن دیار گشته و آنان را به مطالعه بیشتر این آئین مقدّس رهنمون بوده است. (۱۱)

۴- آشنایی دانشمندان و هنرمندان غرب با امر بهائی

صرفنظر از حضور مبارک در کلیساهای بزرگ در لندن و معابد دیگر در غرب که موجب معرفی و ایجاد حسن رابطه بین رؤسای مذهبی مسیحی و یهودی و اسلام با امر بدیع و رهبر عالیمقدار آن گردید، حضرت عبدالبهاء با نفوس برجسته و مشهور جهان علم و صنعت نیز ملاقات فرمودند از آن جمله در آمریکا مخترع تلفن گراهام بل (Graham Bell) و کاشف قطب شمال دریاسالار پری (Admiral Peary) فیض حضور یافتند و حضرتشان را برای ایراد نطق و خطابه در انجمن دانشوران (مجمع علمی) دعوت نمودند.

ضمناً هنرمند و نویسنده مشهور جبران خلیل جبران مؤلف کتابهای پیامبر - عیسی فرزند انسان که از ارادتمندان آن حضرت بود در نیویورک مشرف شد و با کسب اجازه

تصویر (Portrait) ایشان را ترسیم نمود.

در اروپا مستشرقین بنامی چون ادوارد گرنویل براون (Edward G. Browne) و پروفیسور وامبری (در مجارستان) نیز افتخار تشرّف یافتند.

ضمناً برحسب دعوت رؤسای چندین دانشگاه مانند دانشگاه Oxford در انگلیس، دانشگاه Howard و استانفورد Stanford در آمریکا در حضور صدها (و در استانفورد حدود ۱۸۰۰) نفر از دانشجویان و اساتید، حقائق معنوی و روحانی به سمع آن دانش پژوهان و اندیشمندان رسید و متن نطق‌های مبارک در روزنامه‌های مهم آن حدود چاپ و منتشر شد.

۵- احیاء و تقویت جامعه نوبنیاد بهائی در دیار غرب

بدون تردید یکی از مهمترین نتایج و آثار سفر مبارک به اروپا و بخصوص آمریکا تقویت و تحکیم اساس امرالله در آن دیار و ازدیاد شوق و ذوق و عمق درک روحانی احبّاء آنسامان می‌باشد حضرت عبدالبهاء در جلسات متعدّد خصوصی و عمومی هزاران نفر از یاران و مشتاقان خویش را از فیض تعلیمات و بیانات مبارکه خویش برخوردار ساخته و با حکمت و حوصله یکایک سؤالات آنان را پاسخ عنایت فرمودند. باید به خاطر داشت که در آن زمان به واسطه عدم وجود کتب و نشریات ادبی و ترجمه‌های موثّق، سطح اطلاعات احبّاء از معارف امریه بسیار کم بود و چه بسا با اوهام و خرافات و تعبیرات صوفیانه آمیخته بود. بخشی از این تعبیرات ناصواب نتیجه تعلیمات ابراهیم خیرالله بود. بهرحال ریشه‌های ایمانی و فکری آنان ضعیف بود. گاهگاهی نیز با تفسیرات شخصی هیکل مبارک را رجوع ثانوی مسیح می‌دانستند. از جهت دیگر طوفان نقضی که ابراهیم خیرالله در بین یاران ایجاد کرده بود باعث تفرقه و دلسردی جمعی از مؤمنین گشته بود و بیم آن می‌رفت که شالوده امر الهی در خطّه آمریکا متزلزل گردد. این بود که سفر حضرت عبدالبهاء و حضورشان در جمع احبّاء و بیانات حکمت‌آمیز و پرمهر و محبت آن حضرت به تدریج اوهام و خرافات رائج را برطرف ساخت و اساس

ایمان و ایقان یاران را محکم نمود. از جلسات تاریخی منعقد در آمریکا باید ضیافت وحدت (Unity Feast) را که در منزل مستر روی ویلهلم (Roy Wilhelm) در حومه نیویورک Ingle wood با حضور قاطبهٔ احبّاء آن منطقه برگزار شد، یاد نمود که هیکل مبارک بنفسه از دوستان پذیرائی می فرمودند و این درس محبت و لطف باعث گرمی و تشدید وحدت و اتحاد جامعه گردید. همچنین در نیویورک در جلسهٔ تاریخی خاصی راجع به اهمیت عهد و میثاق بیانات مفصل و مؤثری ایراد فرموده و به امر مبارک لوح غصن تلاوت شد. از آن پس شهر نیویورک "مدینهٔ میثاق" "City of Covenant" نام یافت. احبّاء منخلص و ثابت قدم آن دوره با کسب الهام از هدایت و تشویقهای حضرت عبدالبهاء بعدها قیام به خدمات مهم امری و تبلیغ و انتشار امر در آمریکا و سایر ممالک عالم نمودند و پس از نزول الواح فرامین ملکوتی که چند سال بعد از مراجعت هیکل اطهر به ارض اقدس در دوران جنگ اول صادر شد، مشتاقانه صلاهی آن حضرت را لبیک گفته و به لقب "حواریون حضرت بهاءالله" از کلک میثاق مفتخر گشتند. باید از نفوسی چون مارثاروت، لواگتسینگر (Lua Getsinger)، هنری و کلارا دان (فاتحین قارهٔ استرالیا)، می مکسول (May Maxwell)، هارلان اُبر (Harlan Ober) نام برد که هر یک راهی دیاری شدند و به فتح روحانی عالم پرداختند. همچنین در اثر تشویق و تأکید حضرت عبدالبهاء و برانگیختن نفوس با استعدادی چون هُراس هلی (Horace Holy) و دکتر جان اسلمنت (John Esslemont) و هوارد کلبی آیوس (Howard Colby Ives) هر یک به نگارش مقالات و کتبی اقدام کردند که پیام حضرت بهاءالله و تعالیم بدیع را به جهان غرب معرفی کرده و سپس آن کتب به زبانهای متعدّد دیگر ترجمه و منتشر گردید. از آثار و وقایع مهمّ دیگر آنکه در هنگام اقامت آمریکا حجرزایهٔ مشرق الاذکار آن کشور که به امّ المعابد غرب مشهور گردید در ویلمت در کنار دریاچه میشیگان به دست مبارک نهاده شد و آن حضرت اهمیت مؤسسه مشرق الاذکار را گوشزد یاران نمودند و آنان را به تکمیل بنای آن بنیان تشویق و تحریص فرمودند. توضیح و تبیین مبارک در مورد اهمیت و وظائف معبد (مشرق الاذکار) بهائی و توابع آن بی نهایت در تسریع

ساختمان آن مؤثر بود. مشرق الاذکار به عنوان کانون مرکزی مؤسسات علمی، رفاهی و اجتماعی بهائی معرفی شد.

حضرت عبدالبهاء یک نوبت هم در کانونشن سالیانه احباء آمریکا (Annual Convention) و نیز یکبار در جلسهٔ محفل روحانی شیکاگو حضور یافتند و در این جلسات تاریخی در واقع مقام و اهمیت نظم بدیع را که در آن ایام مراحل طفولیت خود را طی می‌کرد، خاطرنشان ساختند و بخصوص وظائف خطیر محافل روحانی را یک به یک بیان فرمودند.

۶- تجلی روش و سلوک حضرت عبدالبهاء به عنوان مثل اعلی

در طی سفر سه ساله، حضرت عبدالبهاء نه تنها اصول و حقائق مندمج در امر بدیع را به وسیله خطابات و نطقهای متعدد به جهانیان ابلاغ فرمودند بلکه نفس روش و سلوک و رفتار آن حضرت در موارد و حالات مختلف نمایندهٔ حقیقت و جوهر احکام و تعالیم این ظهور به حاضرین و ناظرین بود که در واقع با ملاحظهٔ آن به درک بیشتر و عمیقتر مفاهیم و معانی تعلیمات روحانی امر پی بردند. نمونه‌های چندی از آن را فقط برای اختصار در این گفتار می‌توان ذکر کرد: حضرت عبدالبهاء توجه و عنایت خاصی به سیاه‌پوستان در آمریکا نشان می‌دادند مثلاً در مهمانی باشکوه خانم پارسنز (Mrs. Parsons) در واشنگتن که فقط رجال برجسته و دیپلماتها با همسرانشان دعوت داشتند، هنگامی که مستر گریگوری از احباء مخلص سیاه‌پوست (که بعداً به رتبهٔ ایادی امرالله ارتقا یافت) بغتةً وارد شد هیكل اطهر وی را با محبت در آغوش گرفته و نزد خود جالس کردند. همچنان در نیویورک چون در مهمانی وداع صاحب هتل از ورود سیاهان ممانعت کرد حضرت عبدالبهاء ضیافت مجللی خود ترتیب داده و همراه با احباء سفید پوست از یاران سیاه‌پوست پذیرائی شایان به عمل آوردند و همچنین در کالج سیاه‌پوستان حضور یافته و خطابه غزائی در مورد وحدت عالم انسانی و رفع تعصبات نژادی ایراد فرمودند. نمونهٔ دیگر از روش و سلوک مبارک برخوردار محبت‌آمیز با پیروان

ادیان مختلف از مسیحی، کلیمی، مسلمان و حتی بودائی در آن ممالک بود چنانکه مکرراً برای صحبت و خطابه هم به کلیساها و هم به کنیسه کلیمیان *synagogue* (مثلاً در کنیسه معروف **Emanuel** در سانفرانسیسکو) تشریف بردند و در لندن هم در مسجد مسلمانان بر حسب دعوتشان حضور یافته و از بیانات حکیمانه خویش در هر یک از آن معابد حقیقت و وحدت اساس جمیع ادیان را اثبات فرمودند و از تعصبات مذهبی انذار نمودند. دیگر طرز رفتار و محبت به افراد از ملل مختلف اروپائی - آمریکائی - ایرانی - ترک - عرب - یونانی - ژاپنی... بود که به نحو مساوی همه را مورد عنایت قرار داده و عملاً اتحاد بشر و عدم اعتبار تعصبات مفرط ملی را نشان دادند.

از موارد دیگر تمجید و تحسین پیشرفتهای بانوان و دختران و ابراز محبت و نوازش به اطفال و فقراء و سخاوت و کرم در مورد اعانه به مستمندان، بیان کلمات پر مهر و شفقت به افسردگان و ناامیدان که در بعضی موارد باعث نجات آنان از ورطهٔ یأس و زندگی دوباره گردید را می توان نام برد.

بیان حضرت عبدالبهاء هر چند به قول استنووود کاب (**Stanwood Cobb**) در طبع اسفار غرب مبتنی بر منطق و بسیار علمی و عقلانی بود ولیکن شیوهٔ اظهار آن با کمال ملایمت و حکمت و در عین حال مناسب موقعیت ادا می شد. هیکل مبارک با صبر و حوصله به مطالب دیگران گوش داده و آنگاه با مدارا و ملایمت حقائق و اصول امری و روحانی حتی حقانیت ادیان قبل را تشریح می فرمودند.

۷- جلوهٔ عظمت و جلال مرکز میثاق و آشنائی جمعی از مشاهیر و رجال شرق

با آن حضرت

در هنگام اقامت حضرت عبدالبهاء در اروپا خصوصاً در پاریس و لندن جمعی از رجال و شاهزادگان و دیپلماتهای ایرانی و شرقی افتخار تشرّف حاصل نمودند و اظهار خضوع و ارادت به آن حضرت کردند. از آن جمله باید شاهزاده مسعود میرزا ظلّ السّلطان و پسرش جلال الدوله را نام برد که اولی در شهادت نورین نیرین دراصفهان و

دومی در وقایع جانگداز شهادت احبّاء یزد مسئولیت مستقیم داشتند و هر دو با کمال شرمندگی از انجام آن جنایات و ارتکاب مظالم متعدّد نسبت به احبّاء آن دیار اظهار ندامت کرده و آن را به سائرین نسبت دادند. این دو با ملاحظه عظمت و جلال هیکل مبارک و احترامی که در انظار پیروان غربی و شرقی داشتند تا حدّی به اهمّیت این امر اعظم پی بردند و در مقام اعتذار از گذشته برآمدند.

از دیگر رجال برجسته باید معیر الممالک داماد ناصرالدّین شاه را نام برد (که نام اصلیش دوست محمّد خان است) و در لندن و پاریس مشرف شد و نهایت تکریم و تعظیم را در حقّ مبارک نشان داد و به اعتباری به امر الهی نیز مؤمن گشت. همچنین سپهدار اعظم و علیقلی خان سردار اسعد از سران ایل بختیاری نیز به فیض زیارت مبارک نائل شدند. شخص اخیر حتّی از حضرت عبدالبهاء دعوت کرد و پذیرائی شایان به عمل آورد. از ایرانیان مشهور دیگر که در پاریس به زیارت مبارک شتافتند باید از علّامه محمّد قزوینی و سیّد حسن تقی زاده نام برد که هر یک شرح تشرّف خود را جداگانه در نشریات فارسی نوشته‌اند. (۱۲)

به افتخار ورود مبارک در پایتخت های انگلیس و فرانسه ضیافت‌های رسمی از طرف وزراء مختار و سرپرستان سفارت با حضور معاریف و نفوس برجسته در عالم سیاست و فرهنگ برگزار شد که بدینوسیله صیت عظمت و حکمت حضرت عبدالبهاء در محافل علمی و ادبی منتشر گردید. در واشنگتن D.C. پایتخت آمریکا علیقلی خان نبیل الدّوله شارژدافر ایران ضیافت مجلّی ترتیب داد و همچنین ضیاء پاشا سفیر عثمانی نیز مهمانی بسیار باشکوهی نمود که در هر دوی آن وجوه سیاستمداران، دیپلماتها و اساتید و علماء دعوت شدند و هکذا در نیویورک کاردار یا کنسول ایران باز دعوتی به عمل آورد.

انتشار مقالات و گزارش‌های مبسوط با درج عکس حضرت عبدالبهاء در اروپا بی‌شک موجب شهرت و اعتبار امر الهی در خاور و باختر شد و شاید تا حدّی باعث تخفیف فشارها و تضییقات مستمر نسبت به یاران ستمدیده ایران گردید چه که هم

زمامداران امور و هم نویسندگان و اندیشمندان با مطالعه آنها متوجه اهداف و آرمان آئین جدید که از ایران برخاسته و انتشار وسیع در سطح عالم یافته گردیدند.

پانوشت:

۱. در مورد فصد هیکل مبارک به عزیمت به کاشغر برای تبلیغ در زمان حضرت بهاءالله و ممانعت متصرف عکا نگاه کنید به یادداشتهای جناب بدیع بشروئی "شادمانی نوزده ساله"، پیام بهائی شماره ۲۳۵ ص ۳۰.
۲. نجم باختر- جلد دوم- شماره پنجم- ص اول- (۵ جون ۱۹۱۱).
۳. نجم باختر- جلد اول- شماره ۱۸- ۷ فوریه ۱۹۱۱- ص ۲.
۴. نجم باختر- جلد دوم- شماره ۱۱- ۲۷ دسامبر ۱۹۱۱.
۵. بدایع الآثار ج ۲- ص ۸ (میرزا محمود زرقانی).
۶. حضرت ولی امرالله- کتاب قرن بدیع (گاد پاسز بای) توسط جناب نصرالله مودت- فصل ۲۰.
۷. حضرت ولی امرالله- کتاب قرن بدیع (گاد پاسز بای)- ص ۵۷۸-۵۷۹.
۸. مکاتیب عبدالبهاء- جلد ۳ (چاپ مصر) صص ۵۴-۵۵.
۹. بدایع الآثار- جلد ۱- ص ۲۷۲.
۱۰. بدایع الآثار- جلد ۱- ص ۲۷۹.
۱۱. ر.ک. به مقاله **Prof. Stanwood Cobb**
۱۲. ر.ک. به مجله یادگار (شماره ۶-۷- بهمن و اسفند ۱۳۲۷ (ژانویه/ فوریه ۱۹۴۹) تحت عنوان یادداشتهای تاریخی "وفیات معاصرین"- و یا پژوهشنامه شماره ۱